

کاربست سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی

■ عبدالله مرادی ■

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

■ بهروز تسلیمی‌کار ■

دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی در دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۴

چکیده

آنچه در رفع بحران‌ها اهمیت بالایی دارد، تصمیم‌گیری به‌موقع و منطبق با اطلاعات صحیح به‌دست آمده از تحلیل محیطی است، به‌ویژه تغییرات سریع محیطی که در زمان محدودی شرایط گوناگونی را به تصمیم‌گیرندگان تحمیل می‌کند. در چنین شرایطی، «سامانه‌های هوشمند مدیریتی» که از قابلیت بالایی در خصوص جمع‌آوری، پردازش، تحلیل، دسته‌بندی، به‌روزرسانی اطلاعات و ارائه راهکارهای عملی منطبق با شرایط موجود برخوردار هستند، می‌توانند کارایی فراوانی را در مدیریت بحران از خود نشان دهند. به‌طور ویژه، کاربرد این موارد در برخورد با بحران‌های اجتماعی نظیر بحران قومی که دارای تهدیدات مؤثری در حوزه امنیت ملی است، بسیار حائز اهمیت خواهد بود، زیرا بایستی بحران‌های قومی بالقوه و در حال شکل‌گیری در محیط ملی را شناسایی کرده و در فرآیندی نسبت به پیشگیری، مقابله، بازسازی آسیب‌ها و... در مراحل بعدی اقدام نمود. بنابراین، در این پژوهش با هدف «تبیین تأثیر سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی»، تلاش شده است تا این پرسش مورد بررسی قرار گیرد که «تأثیر سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی، به چه میزان است؟». روش پژوهش از نوع کاربردی با روش آمیخته بوده و نتایج آن نشان می‌دهد که اگرچه میزان تأثیرگذاری کارایی سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی، شامل پیشگیری از بحران، آمادگی در برابر بحران، مقابله با بحران و بازسازی پس از بحران، متفاوت است، اما بهره‌برداری از چنین سامانه‌هایی با توجه به قابلیت‌های تعریف شده در آنها، امری لازم و ضروری است.

کلید واژگان: بحران‌های قومی، چرخه مدیریت بحران، راهبردهای مدیریت بحران، سامانه‌های هوشمند مدیریتی، مدیریت بحران.

«بحران» به مثابه مجموعه‌ای از رخدادها، موجب برهم خوردن نظم حاکم شده و موقعیت‌های جدیدی را فراهم می‌آورد که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده است. این در حالی است که بحران به واسطه شدت و دامنه خود، عمدتاً موجب غافلگیری نهادهای تصمیم‌گیرنده و کاهش زمان برای اتخاذ تصمیم و اختصاص منابع می‌شود. بحران‌ها بستر تهدیداتی هستند که در صورت عدم مهار به موقع و مناسب آنها، امکان تبدیل شدن به موقعیت‌های پرمخاطره و حتی تحت تأثیر قرار دادن نظام سیاسی حاکم را در پی دارند. در مقابل این وضعیت، مفاهیم و مبانی «مدیریت بحران» مورد تدوین نظری و عملیاتی قرار می‌گیرد تا بتواند ثبات و امنیت را تحقق بخشد.

با توجه به وسعت حوزه ایجاد بحران که احتمال بروز آن را در طیف‌های مختلف امکان‌پذیر ساخته، لزوم کنترل بحران، ضرورتی راهبردی است. به همین جهت، همه صاحب‌نظران به تلاش برای سرمایه‌گذاری کلان جهت استقرار و توسعه سامانه مدیریت بحران تأکید دارند، چراکه تکیه صرف بر توانایی فردی، به دلیل محدودیت انسان‌ها در پردازش و تحلیل داده‌ها، سبب می‌شود تا شرایطی توأم با عدم اطمینان برای تصمیم‌گیران ایجاد شود، در نتیجه ممکن است که تصمیمات اتخاذشده برای مدیریت بحران با توجه به تغییرات شدید محیطی و اطلاعاتی، فاقد کارایی لازم باشند. بنابراین، نیاز به «سامانه‌های هوشمند مدیریتی»، بسیار ضروری به نظر می‌رسد، زیرا این سامانه‌ها با قابلیت‌هایی همچون دریافت به موقع و یکسان‌سازی خودکار داده‌ها، انتشار سریع اطلاعات در بین اعضا، ارائه راهکار با استفاده بهینه از منابع، افزایش بهره‌وری، ایجاد زبان مشترک و یکپارچگی در ساختار و کاهش هزینه‌ها، موجب موفقیت در دستیابی به اهداف مدیریت بحران می‌گردند.

یکی از بحران‌های اجتماعی در عرصه عمومی جوامع، به ویژه پس از شکل‌گیری نظم «دولت-ملت»، «بحران‌های قومی» است. در بحران‌های قومی، حجم بحران که به وسیله سه عامل «دامنه فراگیری»، «شدت وقوع» و «مدت دوام بحران» مشخص می‌گردد، در سطح بالایی قرار دارد. همچنین، برخلاف بحران‌های طبیعی که زمان شکل‌گیری و فروکش کردن آنها کوتاه است، بحران‌های قومی از آن دسته بحران‌ها می‌باشند که دارای آثار اجتماعی پایدار و تنش‌های سیاسی طولانی‌مدت هستند. بحران‌های قومی از یک سو کشور را از توسعه فراگیر و باثبات بازداشته و از سوی دیگر، نظام سیاسی حاکم و همبستگی اجتماعی را با چالش‌های متعددی روبرو می‌سازد. از این رو، اگر از بحران و تضاد قومیت‌ها با ابزارهای مؤثر پیشگیری

نشود، مدیریت نمودن بحران کاری بس دشوار خواهد بود (قلی‌پور و پورعزت، ۱۳۸۷: ۳۴). در بحران‌های قومی، تغییرات سریع و مستمر محیطی بر روند تصمیم‌گیری در آن تأثیر بسزایی داشته و فضایی آکنده از اطلاعات گوناگون را در پیش‌روی تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهد. از سوی دیگر، دریافت، بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و رسیدن به راهکارهای مفید برای حل بحران‌ها، نیازمند زمان است که با اصل سرعت عمل در مدیریت بحران مغایرت دارد.

با توجه به نکات ذکرشده بالا درباره «سامانه‌های هوشمند مدیریتی» و اهمیت مدیریت «بحران‌های قومی»، در این پژوهش تلاش می‌شود تا به‌عنوان هدف‌گذاری اصلی، بر «تبیین تأثیر سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی» تمرکز صورت گیرد. برای تبیین هدف پژوهش، سؤال اصلی این‌گونه طرح شده است که «تأثیر سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی، به چه میزان است؟». برای پاسخ به این پرسش، ابتدا در بخش مفهوم‌شناسی درباره «انواع، حالات و ویژگی‌های بحران» و تبیین «مدیریت بحران با توجه به ابعاد، ویژگی، چرخه‌های مدیریت و...» مطالبی ارائه شده است، همچنین مختصات مفهومی و ابعاد نظری «بحران‌های قومی» نیز تشریح گردیده است. در ادامه پیگیری روش پژوهش، سؤالات فرعی شامل «سامانه‌های هوشمند چگونه در چرخه مدیریت بحران قومی جانمایی می‌شود؟»، «تأثیر سامانه‌های هوشمند در پیشگیری از بحران‌های قومی (اولین مرحله از مدیریت بحران)، به چه میزان است؟»، «تأثیر سامانه‌های هوشمند به‌منظور آمادگی در برابر بحران‌های قومی (دومین مرحله از مدیریت بحران)، به چه میزان است؟»، «تأثیر سامانه‌های هوشمند به‌منظور مقابله با بحران‌های قومی (سومین مرحله از مدیریت بحران)، به چه میزان است؟» و درنهایت، «تأثیر سامانه‌های هوشمند در بازسازی پس از بحران‌های قومی (چهارمین مرحله از مدیریت بحران)، به چه میزان است؟»، تدوین شدند و مدنظر قرار گرفتند.

مفهوم شناسی پژوهش

بحران: «بحران عبارت است از وضعیتی که نظم نظام اصلی یا قسمت‌هایی از نظام‌های فرعی را مختل کرده و پایداری آن را برهم زند، به عبارت دیگر و از نگاهی نظام‌مند، یک ضربه شدید به نظام بین‌المللی که آن را از تعادل خارج می‌کند» (کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۳).

بحران‌های قومی: «بحران‌های قومی یکی از تهدیدات امنیت ملی کشورها است که دارای

دو سرمنشأ اصلی محیطی و غیرمحیطی (فرهنگ دین و ایدئولوژی) است» (الطایی، ۱۳۸۲: ۵۸). راهبردهای مدیریت بحران: «راهبردهای اولویت‌دار مدیریت بحران شامل راهبردهای پیشگیری از وقوع بحران، راهبردهای آمادگی برای مواجهه با وقوع بحران، راهبردهای مقابله و مواجهه با بحران و راهبردهای بعد از بحران هستند» (بیرویدیان، ۱۳۸۵: ۹۳).

سامانه‌های هوشمند مدیریتی: «سامانه‌های هوشمند مدیریتی، سامانه‌هایی هستند که با ایجاد زبان و ساختار مشترک، امکان پیاده‌سازی طرح‌های عملیاتی متمرکز با قابلیت اجرای غیرمتمرکزی درجهت هم‌افزایی اقدامات و هم‌سو نمودن فعالیت‌ها را با ارائه بهترین پیشنهادها برای تصمیم‌گیرندگان فراهم می‌سازند» (Pasquale, Capponi, & Lau, 2017: 138).

مدیریت بحران: «مدیریت بحران به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که قبل، حین و بعد از وقوع بحران، برای جلوگیری از ایجاد بحران، جستجوی دقیق و اندیشمندانه بحران و کنترل و خاتمه آن در راستای تأمین منافع ملی و همچنین کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن انجام می‌گیرد» (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۰).

پیشینه پژوهش

سوری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «اصول، مبانی و رویکردهای مدیریت بحران (با تأکید بر بحران‌های اجتماعی)»، بر این مسئله تأکید دارد که اصلی‌ترین شاخصه تفاوت بین بحران و مدیریت بر آن، در شیوه کنترل بحران خلاصه می‌شود و به هر میزان که در ایجاد موانع پیش‌گیرنده از بحران‌ها و کنترل بر آنها توفیق حاصل شود، مدیریت بحران نیز موفق‌تر خواهد بود و درنهایت مشخص گردیده است که رویکرد تصمیم‌گیری برگرفته از برداشت انسانی است و نگاه ذهنی تصمیم‌گیرنده، مبنای تجزیه و تحلیل است، نه واقعیات عینی.

کماسی، درویشی و محب‌زندگی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی نقش سیستم مدیریت هوشمند در کاهش مصرف انرژی و هزینه‌های ساختمان»، به این نتیجه رسیده‌اند که سامانه‌های هوشمند مدیریتی می‌توانند در مدیریت زندگی روزانه انسان‌ها نیز کارآمد باشند و بررسی میدانی از یک نمونه پروژه اجراشده، کاهش ۲۵ تا ۳۰ درصدی هزینه‌های انرژی توسط نمونه‌ای از همین سیستم را نشان می‌دهد.

تسلیمی‌کار (۱۳۹۷) در مقاله «لزوم بهره‌برداری از سامانه فرماندهی و کنترل مشترک در

نیروهای مسلح»، با بررسی مشخصات سامانه‌های فرماندهی و کنترل که نوعی از سامانه‌های هوشمند مدیریتی محسوب می‌شوند، بهره‌برداری از آنها را جزء اولویت‌های آینده نیروهای مسلح برشماری می‌کند. یافته‌های وی حاکی از آن است که این‌گونه سامانه‌ها با قابلیت بالا در مدیریت انبوه اطلاعات صحنه‌های نبرد که دارای تغییرات سریع هستند، در تمام شرایط و مراحل مأموریت‌های محوله به این نیروها، از کارایی زیادی برخوردار هستند.

مرادی، محمدی و رضایی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش پایش محیطی توسط رسانه‌های جمعی در پیش‌بینی بحران‌های قومی» به موضوع کارکرد پایش محیطی رسانه‌های جمعی در پیش‌بینی بحران‌های قومی و به تبع آن، تقویت فرایندهای پیشگیری در مدیریت بحران‌های قومی می‌پردازند. آنها در این پژوهش، سنجش دو عامل محیطی بازیگران بحران‌ساز و تحولات بحران‌ساز را واجد نقش مهمی در پیش‌بینی بحران‌های قومی ارزیابی می‌کنند.

هنتیا در مقاله‌ای با عنوان «سیستم هوشمند برای مدیریت امنیت اطلاعات»، سیستم هوشمند جدیدی مبتنی بر چند اصل شامل مدیریت امنیت اطلاعات، ارتباط شبکه‌ای خودکار، علم رایانه، هوش مصنوعی و غیره را معرفی می‌کند که با توجه به رشد بلامانع تهدیدات سایبری، امکان ایجاد امنیت در سطوح اطلاعاتی را فراهم خواهد کرد و در نهایت عنوان می‌کند که این‌گونه سیستم‌ها نیازمند رشد بیشتری برای داشتن کارایی لازم در حوزه امنیت اطلاعات هستند (Hentea, 2007: 138).

فِنِر و سَوِیک در مقاله «رهبری در مدیریت بحران: جدایی رهبری و اصول اجرایی»، اظهار می‌دارند که بحران یک کشور، غیرقابل پیش‌بینی است و فعالیت‌های عادی سازمان را مختل می‌کند و این امر نیازمند اقدام فوری، برنامه‌ریزی کارآمد و مهارت مدیریت صحیح است. طرح مدیریت بحران می‌تواند آسیب‌های یک بحران بالقوه را به حداقل رسانده و از آمادگی در برابر بحران، اطمینان حاصل کند. (Fener & Cevik, 2015: 138)

این پیشینه نشان می‌دهد که بررسی موضوع مدیریت بحران در سطوح نظری و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفته است. عمده پژوهش‌ها بر تبیین مراحل بحران و ارائه توصیه‌های کلی متمرکز هستند. برخی نیز همان‌طور که مشخص است، یکی از اجزای مدیریت بحران را با توجه به حوزه‌های عملیاتی خاصی، مورد بحث قرار می‌دهند. بر این اساس، پژوهش حاضر در بررسی «بحران قومی» در چارچوب کاربست «سامانه‌های هوشمند مدیریتی»، دارای

نوآوری است، به‌ویژه اینکه چارچوب تحلیلی پژوهش با ارائه شاخصه‌های مؤثر بر سامانه‌های هوشمند مدیریتی، فرایند مدیریت بحران را به‌نحو گسترده‌ای پوشش داده و تلاش نموده تا این رویکرد را در حوزه بحران‌های قومی، مورد سنجش قرار دهد. همچنین، بهره‌گیری از نظر کارشناسان با پیمایش جامع، ابعاد نوینی در پژوهش‌های حوزه مدیریت بحران است.

مبانی نظری

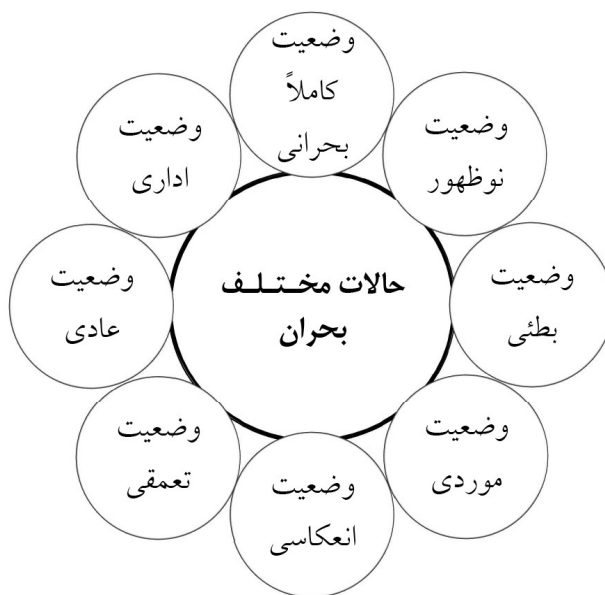
بحران و مدیریت بحران

«بحران، عبارت از وجود بالقوه و بالفعل وضعیتی است که بتواند در سطح داخلی یا خارجی، دولت یا کشوری را با یک خطر بزرگ‌تر نظیر تغییر حکومت، وقوع کودتا و یا بروز جنگ داخلی مواجه سازد» (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۶۹). «چارلز هرمان» در توصیف بحران می‌نویسد: «موقعیت بحرانی، اهداف تراز اول نهاد تصمیم‌گیرنده را به مخاطره می‌اندازد، زمان لازم برای واکنش و اجرای تصمیم‌ها را به‌شدت محدود می‌کند و تحقق چنین موقعیتی به سردرگمی و غافلگیری اعضای نهاد تصمیم‌گیرنده منتهی می‌شود» (به نقل از عساریان‌نژاد، ۱۳۸۳: ۷). از منظر بین‌المللی، «بحران عبارت است از وضعیتی که نظم نظام اصلی یا قسمت‌هایی از نظام‌های فرعی را مختل کرده و پایداری آن را برهم زند، به‌عبارت‌دیگر و از نگاهی نظام‌مند، یک ضربه شدید به نظام بین‌المللی که آن را از تعادل خارج می‌کند» (کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۳). از منظر سیستمی بحران به وضعیتی اطلاق می‌شود که: «یک دسته حوادث و وقایع که به‌سرعت حادث گردیده و تعادل نیروها را در سیستم کلی یا سامانه‌های فرعی، بیشتر از حد متعارف برهم زده و امکان تشدید تخاصم در سیستم را افزایش می‌دهد» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۰-۶۱).

از نظر «شاوون مک‌کارتی»^۱ در کتاب «نقش اطلاعات در مدیریت بحران»، «بحران‌ها موقعیت‌های هستند که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده‌اند» (مک‌کارتی، ۱۳۸۱: ۱۰). به همین جهت، انواع بحران از نظر زمانی به سه دسته تقسیم می‌شود: فوری، تدریجی و ادامه‌دار. بحران‌های فوری دارای هیچ‌گونه علامت هشداردهنده قبلی نیستند و سازمان‌ها نیز قادر به تحقیق در مورد آنها و نیز برنامه‌ریزی خاصی برای دفع آنها نمی‌باشند. بحران‌های تدریجی به آهستگی ایجاد می‌شوند و می‌توان آنها را متوقف یا از طریق اقدامات سازمانی محدود ساخت.

^۱ Shaun P McCarthy

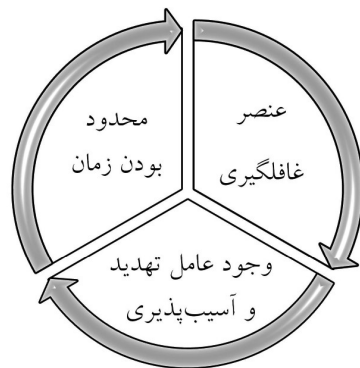
بحران‌های ادامه‌دار، ماه‌ها و یا حتی سال‌ها به طول می‌انجامند. استراتژی‌های مواجهه‌شدن با این بحران‌ها در موقعیت‌های متفاوت بستگی به فشارهای زمانی، گستردگی کنترل و میزان فراگیری این وقایع دارد (سوری، ۱۳۹۴: ۱۰۸). حالات مختلف بحران با توجه به عامل‌های شدت تهدید، تداوم زمانی و درجه آگاهی از بحران، عبارت‌اند از:



شکل شماره ۱: حالات مختلف بحران

با توجه به تعاریف بالا می‌توان ویژگی‌هایی برای مفهوم بحران ارائه نمود، نظیر اینکه بحران ۱. هدف‌های عالی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند؛ ۲. زمان واکنش را برای اخذ تصمیم محدود می‌سازد و ۳. عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود، غافلگیر می‌نماید. بنابراین، سه عامل مهم «تهدید»، «زمان» و «غافلگیری» در تعریف و تشخیص بحران نقش اساسی دارند (نجات‌بخش و باقری، ۱۳۸۷: ۱۴۰). همچنین، دیگر ویژگی‌های عمده بحران، عبارت‌اند از:

۱. فرصت و زمان کم برای واکنش نسبت به آن؛
۲. وجود اطلاعات ناقص، نامعتبر و مشکوک در هنگام وقوع حادثه؛
۳. تهدید کردن منابع طبیعی و یا زندگی بشر (سوری، ۱۳۹۴: ۱۰۵).



شکل شماره ۲: ویژگی‌های عمده بحران

مدیریت بحران

«مدیریت بحران به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که قبل، حین و بعد از وقوع بحران، برای جلوگیری از ایجاد بحران، جستجوی دقیق و اندیشمندانه بحران و کنترل و خاتمه آن در راستای تأمین منافع ملی و همچنین کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن انجام می‌گیرد» (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۶۰). مدیریت بحران در راستای اهداف خود می‌بایست از اصول و چارچوب‌هایی استفاده کند که دستیابی به اهداف اصلی با کمترین هزینه، میسر و امکان‌پذیر گردد. این اصول عبارت‌اند از: «اصل محدودیت هدف»، «اصل نیاز به اطلاعات»، «کنترل ابزار در نیل به هدف»، «برنامه‌ریزی شرایط اضطراری»، «اصل ارتباط» و «اصل مشروعیت» (مک‌کارتی، ۱۳۸۱: ۶۱). مراحل مدیریت بحران شامل طیف گسترده‌ای از اقدام‌های عادی (گفتگو و چانه‌زنی) تا اقدام‌های خشن نظامی می‌شود. صرف‌نظر از اتخاذ هر یک از راهبردها، گروه مدیریت بحران ناگزیر به بهره‌برداری از یک سلسله کنش‌های منطقی به‌منظور سازمان‌دهی راهبرد مناسب جهت مهار بحران است. این مراحل شامل «شناخت مسئله»، «درک آسیب‌پذیری و تهدید»، «تحلیل خطرپذیری یا ریسک»، «سنجش بازخوردهای مثبت و منفی هر راهبرد» و نهایتاً «پاسخ به بحران» هستند (سوری، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

اصول مدیریت بحران، به راه‌حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی به‌گونه‌ای که منافع و ارزش‌های اساسی و غیره، تأمین شوند، تأکید دارند. این هدف دربرگیرنده سیاست جاری است و از طریق فرایندهای اجبار و انطباق‌پذیری می‌شود تا درنهایت به گرفتن بیشترین امتیازات ممکن از دشمن بیانجامد و موقعیت و جایگاه خودی تا حد امکان از هرگونه تزلزلی

حفظ گردد که شامل موارد ذیل است: (تاجیک، ۱۳۷۹: ۴۳)

۱. هراندازه سازمان‌دهی نیروهای مقابله‌کننده با بحران بیشتر باشد، کنترل بحران آسان‌تر است؛
۲. هراندازه ارتباطات بین ارگان‌های مقابله‌کننده با بحران بیشتر باشد، مدیریت بحران کاراتر است؛
۳. هراندازه سرعت تصمیم‌گیری مدیریت بحران بیشتر باشد، سرعت کنترل بحران بیشتر است؛
۴. هراندازه عوامل بحران، آشناتر با مدیریت بحران باشند، کنترل آن آسان‌تر است؛
۵. هراندازه برنامه‌ها و وظایف نیروهای مهار بحران روشن‌تر باشد، کنترل بحران ساده‌تر است.

بحران‌های قومی

بحران‌های قومی اساساً بر روی تعارض‌های فرهنگی و تفاوت‌های هویتی در مرزهای مشترک سیاسی شکل می‌یابد. در این راستا، ناسیونالیسم قومی، ملت را برحسب قومیتی تعریف می‌کند که نژاد اجدادی و سپس فرهنگ و عقاید مشترک، از عناصر اصلی آن است. (Barth & Noel, 1987: 33) «گروه‌های گوناگون زبانی، قومی و مذهبی موجود در ایران، بخش‌های جداناپذیر جامعه بزرگ‌تری بوده‌اند که در طول قرن‌ها، تجربیات تاریخی و میراث فرهنگی واحدی را به دست آورده‌اند؛ به گونه‌ای که در ایران، قبایل بیشتر موجودیت‌های سیاسی-اجتماعی بوده‌اند تا جوامع بیولوژیک و خویشاوندی» (احمدی، ۱۳۸۶: ۵۰-۵۲). با این حال، شکل‌گیری دولت مدرن در ایران به واسطه ظهور دولت مطلقه رضاخانی، سرآغاز بروز تعارضات قومی در ایران بوده است. رویکرد خشن یکسان‌سازی فرهنگی آن دوره در قالب‌هایی چون تخته‌قاچو کردن (یکجانشینی اجباری)، کوچاندن اقوام، لباس واحد، کلاه پهلوی و غیره، منجر به تولید خشونت‌های هویت‌پایه قومی در ایران گردید که پس از آن، در هر زمان مناسبی، دوباره پدیدار شده‌اند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

«بحران قومی به‌عنوان یکی از تهدیدات امنیت ملی در کشور امکان ظهور دارد. به‌طور کلی این بحران‌ها با دو سرمنشأ اصلی محیطی و غیرمحیطی تقسیم‌بندی می‌شود: عوامل غیرمحیطی شامل فرهنگ دین و ایدئولوژی» (الطایی، ۱۳۸۲: ۵۸؛ امان‌اللهی‌بهاروند، ۱۳۸۰: ۲۳) و عوامل محیطی شامل محیط داخلی (عوامل سیاسی، روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی) و عوامل محیط خارجی است. در یک تقسیم‌بندی دیگر، نظریات تبیین‌کننده بحران قومی را می‌توان در چند دسته اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی کرد. «جامعه‌شناسان برای تبیین بحران‌های قومی، عمدتاً بر جنبه‌های ساختاری جامعه، انحصار موقعیت‌های عمده اجتماعی توسط اعضای یک گروه، توزیع

نابرابر و غیر عادلانه فرصت‌ها و تبعیض اجتماعی در قالب نظریاتی چون «استعمار داخلی»، «محرومیت نسبی»، «هویت‌جویی» و غیره تأکید دارند» (صالحی‌امیری، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۳۰). «رویکرد سیاسی نیز عمدتاً نخبگان قومی و سازمان‌های سیاسی قومیت‌گرا را عامل اصلی رشد گرایش‌های قومی بشمار می‌آورد» (Joirman, 2003: 35). در رویکرد اقتصادی، تبیین شکاف‌های قومی، توزیع نابرابر منابع ملی و بی‌توجهی حکومت‌های مرکزی به نیازهای معیشتی مناطق سکونت گروه‌های قومی، به‌ویژه انطباق یافتن مرزهای محروم منطقه‌ای با مرزهای قومی، مدنظر قرار می‌گیرد (ایزدی، ۱۳۸۳: ۴۷).

الگوی مفهومی - تحلیلی پژوهش

با توجه به احتمال بروز بحران‌های قومی و همچنین مدنظر قرار دادن تمامی ریشه‌ها و ابعادی که در بخش پیشین مورد بحث قرار گرفت، نهادهای مسئول و تصمیم‌گیر بحران در سطوح و در گام‌های مختلف موظف به طراحی راهبردهای مدیریت بحران هستند. این مدیریت در گام نخست بر مبنای تعریف چرخه‌های مدیریت بحران تعریف می‌شود که متناظر با آن بایستی راهبردهای مقابله‌ای را اتخاذ نمود. در واقع، نهاد تصمیم‌گیر در بحران، ابتدا روند شکل‌گیری، توسعه و تشدید بحران‌های قومی را رصد می‌کند و در هر مرحله، راهبردهای متناظر با آن را ارائه می‌دهد، همچنان که به‌عنوان مثال، در مرحله فروکش بحران، راهبرد بازسازی و رفع آسیب‌ها و احیاناً پیشگیری برای جلوگیری از وقوع مجدد بحران، اهمیت دارد.

چرخه مدیریت بحران

بر اساس تعاریف ارائه‌شده، «مدیریت بحران دارای گستره مفهومی - تعریفی وسیعی می‌گردد که دربرگیرنده هر تمهیدی برای پرهیز از بحران، جستجوی اندیشمندانه بحران و خاتمه و مهار بحران در راستای تأمین منافع ملی و... است» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۷۰). از این‌رو، می‌توان چرخه‌ای برای مدیریت از ابتدا تا انتهای بحران تعریف نمود:

۱. پیشگیری: اقداماتی با هدف جلوگیری از وقوع مخاطرات یا کاهش آثار زیان‌بار آن.
۲. آمادگی: اقداماتی برای افزایش توانایی در انجام مراحل مختلف مدیریت بحران است. آمادگی شامل جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش، برنامه‌ریزی، ایجاد ساختارها، آموزش، تأمین منابع، تمرین و مانور است.

۳. مقابله: ارائه خدمات اضطراری و فوق‌العاده به دنبال وقوع بحران با هدف حفاظت از منابع مختلف در جلوگیری از گسترش خسارات است. مقابله در حوادث بحرانی شامل شناسایی دامنه بحران، ریشه‌یابی عوامل ایجاد بحران، استفاده از ابزارهای انسانی، اطلاعاتی و فیزیکی موردنیاز برای مقابله با بحران است.

۴. بازسازی: برگرداندن شرایط یک سازمان آسیب‌دیده پس از بحران به شرایط عادی با در نظر گرفتن ویژگی‌های سازمان موفق و کلیه ضوابط ایمنی را گویند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۴۳).

راهبردهای مدیریت بحران

وقتی سازمان مدیریت بحران به‌عنوان فرمانده مدیریت بحران بر اساس سیاست‌های نظام شکل می‌گیرد، بر این اساس، راهبردهای اولویت‌دار مدیریت بحران کشور از بین راهبردهای ذیل استخراج می‌گردد:

۱. راهبردهای پیشگیری از وقوع بحران

رشد و توسعه پایدار و متوازن، پژوهش و آموزش، هماهنگی، تلاش‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌ها و نهادهای مربوط در راستای پیشگیری از وقوع بحران، قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های پیشگیری از وقوع بحران، نظام آمار و اطلاعات، تقویت فرهنگ ایمنی و پیشگیری از وقوع بحران، ایجاد تقویت زیرساخت‌های سیاسی و برنامه‌ریزی و تخصیص منابع.

۲. راهبردهای آمادگی برای مواجهه با وقوع بحران

اطلاع‌رسانی عمومی و تخصصی برای آمادگی در بحران، برقراری ترتیبات مؤثر ساختاری برای ایجاد هماهنگی در فرایندهای کسب آمادگی در برابر بحران، وجود زیرساخت‌ها و بسترهای ارتباطی و مخابراتی، طراحی و استقرار نظام‌های پشتیبانی با رویکرد آمادگی در برابر بحران، سامانه‌های اطلاعات مدیریت، تقویت فرهنگ آمادگی در برابر بحران، وجود قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های آمادگی در برابر بحران، پژوهش و آموزش، نظام مستندسازی از سوابق و تجربیات بحران‌های قبلی، وجود نظام ارزیابی و پایش در رابطه با فرایندهای آمادگی در برابر بحران و برنامه‌ریزی و تأمین اعتبارات موردنیاز برای برنامه‌های آمادگی در برابر بحران.

۳. راهبردهای مقابله و مواجهه با بحران

سامانه‌های اطلاع‌رسانی و اطلاع‌گیری، برآورد اولیه ابعاد حادثه، ساختاردهی و هماهنگ‌سازی عملیات در حین بحران، جستجو و نجات، تخلیه و انتقال، فوریت‌های پزشکی و درمانی،

پشتیبانی عمومی و تخصصی از عملیات امداد و نجات و ارزیابی (پایش) عملیات امداد و نجات.
۴. راهبردهای بعد از بحران

ساختاردهی و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های دستگاه‌ها و سازمان بعد از بحران، سامانه‌های اطلاعات مدیریت، ارزیابی برآورد اولیه از نیازها برای عادی‌سازی نسبی شرایط زندگی حادثه‌دیدگان، پذیرش و اسکان، توزیع مایحتاج عمومی به‌صورت آماده برای مصرف، تأمین و تحویل آب سالم برای مصارف آشامیدنی و بهداشتی، تأمین مسائل مربوط به بهداشت و درمان افراد حادثه‌دیده، تأمین بهداشت محیط عمومی، استقرار تأسیسات و زیرساخت‌های حیاتی برای زندگی، تأمین سوخت و انرژی موردنیاز، تأمین امنیت عمومی اردوگاه‌ها و اقامتگاه‌ها، پشتیبانی عمومی و تخصصی بعد از بحران و ارزیابی عملیات عادی‌سازی، بازسازی و نوسازی بعد از بحران (بیرویدیان، ۱۳۸۵: ۹۳).

چیستی سامانه‌های هوشمند مدیریتی

در جامعه امروز، هوشمند کردن بسیاری از فعالیت‌ها مساوی است با استفاده از برنامه‌ها و روش‌هایی که مبتنی بر ابزارهای فناوری و اطلاعات باشد. هوشمندسازی؛ یعنی استفاده از ابزارهای فناوری و اطلاعات به‌منظور مدیریت، اداره صحیح امور، ساده‌سازی فعالیت‌ها، ارتقای سبک زندگی، حرفه‌ای‌تر شدن کارها و فعالیت‌ها، سرعت بخشیدن به امور، انجام صحیح‌تر کارها، کاهش مصرف انرژی و به‌صورت کلی، استفاده حداکثری از کیفیت و سرویس‌هایی که می‌توان از فناوری اطلاعات در راستای شاخص‌ها و فاکتورهای زندگی از آن بهره گرفت. درواقع، هوشمندی؛ استفاده از تکنیک‌های فناوری اطلاعات برای زندگی بهتر است (Bogue, 2018). سامانه، گروهی از اجزای مرتبط و در تعامل باهم و به‌هم وابسته است که یک کلیت واحد و پیچیده را تشکیل می‌دهند و با مشارکت یکدیگر، هدف واحدی را دنبال می‌نمایند؛ به ترتیبی که هرگاه یک یا چند داده وارد آن می‌شوند، یک یا چندین ستانده از آن خارج می‌گردند (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹). «سامانه شامل ورودی، پردازش، خروجی و بازخورد یا کنترل است. بنابراین، سامانه‌های هوشمند مدیریتی، به‌معنی یک سامانه برای پردازش داده‌ها است تا اطلاعات مناسب را برای مدیریت انجام وظایف به او بدهد» (لاودن، ۱۳۹۰: ۱۴). در عصر حاضر، سامانه‌های هوشمند جهت اختصاص نقش‌های بیشتری به خود آماده می‌شوند. ازجمله این نقش‌ها، عبارت‌اند از اتوماسیون صنعتی، خدمات رباتیک، خدمات پزشکی،

بازرسی و نظارت بصری، نویسه‌خوانی، کاربردهای نظامی، خدمات آموزشی، دنیای سرگرمی، نقل و انتقالات هوشمند، تشخیص هویت با استفاده از فناوری بیومتریک و غیره (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۷). نمونه‌هایی از سامانه‌های هوشمند مدیریتی عبارت‌اند از:

۱. شبکه یکپارچه پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران.^۱
۲. سامانه فرماندهی نبرد آتش^۲ در نیروی زمینی ارتش آمریکا (پژوهش‌های نظامی، ۱۹۸۵: ۸۴).
۳. سیستم فرماندهی و کنترل الیت^۳ (Elron, 2009).
۴. سیستم فرماندهی و کنترل تاکتیکی^۴ (Vassiliou, Alberts & R.Agre, 2015).
۵. شبکه‌ی جهانی فرماندهی و کنترل^۵ در آمریکا (Pearson, 2000).

کاربست و قابلیت‌های سامانه‌های هوشمند مدیریتی

از جمله ویژگی‌های سامانه‌های هوشمند مدیریتی می‌توان به ایجاد زبان مشترک، ایجاد ساختار ارائه طرح‌های عملیاتی متمرکز با قابلیت اجرای غیرتمرکزی و... اشاره نمود. این سامانه‌ها در روند مدیریت بحران، در جمع‌آوری اطلاعاتی از محیط، ابتدا از اتصال به دائرةالمعارف و دیگر بانک‌های اطلاعاتی مربوطه استفاده و تحلیل محیطی ارائه می‌دهد. محاسبه و پیش‌بینی، گام بعدی است که از طریق آن، سامانه «پیشنهاد بهترین‌ها» را برای تصمیم‌گیرنده انجام می‌دهد. درنهایت، تصمیم‌گیرنده با استفاده از این ویژگی‌ها می‌تواند در هنگام عملیات، انسجام و یکپارچگی در نیروهای عمل‌کننده را حفظ و هم‌زمان‌سازی مأموریت‌ها را افزایش داده و درنهایت، ارزیابی و کنترل عملکردها را نیز محقق سازد. نتیجه‌ی کاربرد این سامانه‌ها، افزایش بهره‌وری، بهبود سازمان‌دهی با ارائه بهترین الگو و ارتقای موفقیت در دستیابی به اهداف با کمترین بروکراسی و هزینه است (Pasquale, et.al., 2017: 132- 184).

با توجه به رشد روزافزون فناوری، داشتن ساختارهای مدیریتی دیجیتالی را می‌توان جزء جدانشدنی هر سازمانی تلقی نمود تا با مرتفع ساختن نارسایی‌های موجود، امکان استفاده از

¹ Air Defense Operation System (ADOC)

² Army Battle Command System (ABCS)

³ Elbit: Program of Battle Management Systems for Battalion Combat Teams.

⁴ Tactical Command and Control System (TACCS)

⁵ World Wide Military Command and Control System (WWMCCS)

مزایای مربوطه فراهم گردد. اگرچه سامانه‌های هوشمند مدیریتی قابلیت بالایی در مدیریت اطلاعات و ارائه راهکارهای مناسب برای مهار بحران را دارند، اما به علت عدم برخورداری از احساس و شناخت حسی، توانایی مدیریت کامل و بدون دخالت عوامل انسانی در صحنه مأموریت را نداشته و همواره لازم است از آنها در فرایند تصمیم‌گیری تا قبل از مرحله نهایی؛ یعنی قبل از صدور دستورات اجرایی، بهره‌برداری نمود.

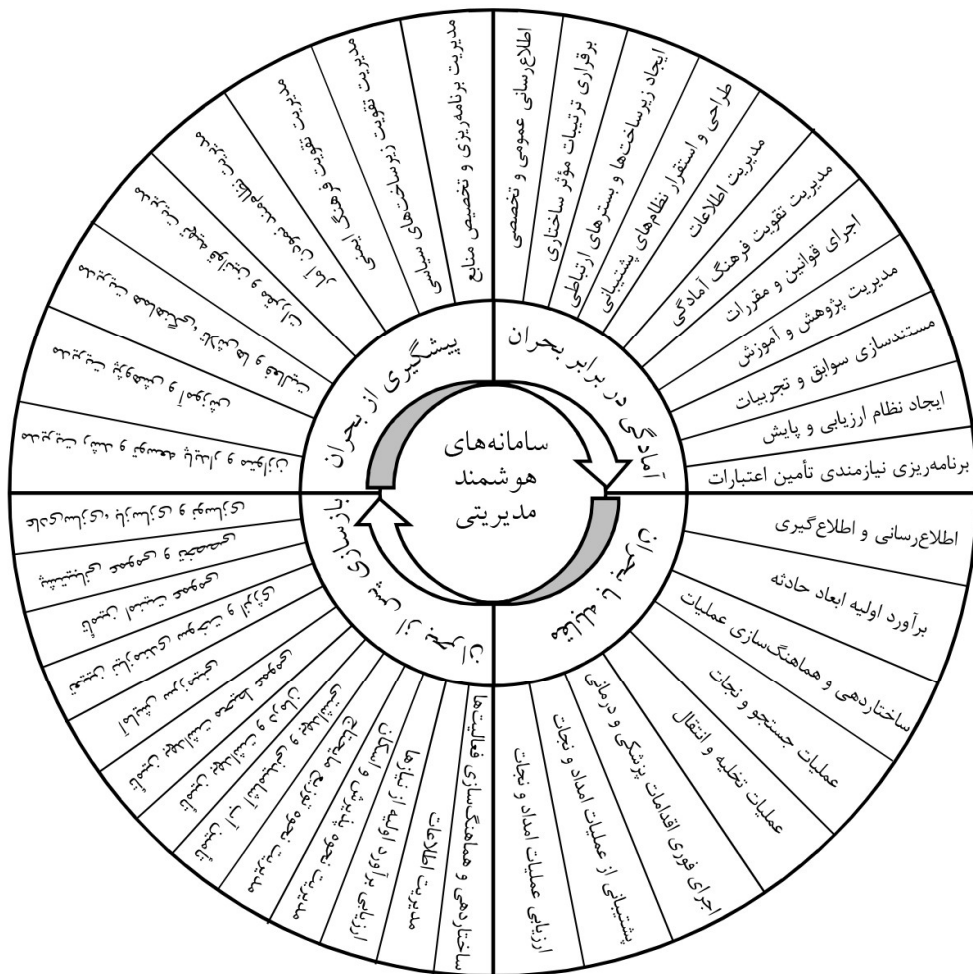
با توجه به تنوع تهدیدات، لازم است تا در مرحله طرح‌ریزی سامانه‌های هوشمند مدیریتی، چرخه مدیریت بحران و تمام مؤلفه‌ها و ابعاد آن به همراه دستورالعمل‌ها و سایر نیازمندی‌ها به صورت خاص، تخصصی و تفکیک‌شده، مورد استفاده و مدنظر طراحان و مشاوران قرار گیرند. از این رو، از جمله مسائلی که تصمیم‌گیران در تعیین راهکار برای برخورد با بحران‌ها فارغ از چرخه و مراحل آن در نظر می‌گیرند، سازمان‌دهی و ایجاد انسجام و وحدت در نیروهای عمل‌کننده و اجرایی است تا با هم‌افزایی تلاش‌ها، دستیابی به هدف اصلی و اولویت‌دار را ممکن سازند. با توجه به اینکه رسیدن به حداکثر هم‌افزایی، نیاز به هدایت مستمر تلاش‌ها در تمام مراحل و به‌طور هم‌زمان، ارزیابی و دریافت بازخورد و برآورد میزان اثرگذاری اقدامات دارد که کاری بسیار دشوار و زمان‌بر بوده و همچنین بخشی از منابع را به خود اختصاص خواهد داد و از سوی دیگر، این ویژگی از قابلیت‌های بارز سامانه‌های هوشمند مدیریتی محسوب می‌گردد، لذا به کارگیری چنین سامانه‌هایی از اولویت کاری هر مدیری بشمار خواهد رفت.

با توجه به پیشینه پژوهشی و دریافت‌های صورت‌گرفته از مصاحبه کیفی با نخبگان، با یک نگاه کلان می‌توان بخشی از ویژگی‌های کلی سامانه‌های هوشمند مدیریتی را به شرح ذیل بیان نمود:

۱. قابلیت جمع‌آوری سریع و یکپارچه‌سازی اطلاعات با پروتکل‌های مختلف؛
۲. قابلیت پرورش سریع اطلاعات شامل بررسی، تلخیص، تجزیه، تحلیل، ارزیابی، اولویت‌بندی و طبقه‌بندی داده‌ها؛
۳. قابلیت اتصال به زیرسامانه‌های موجود در صحنه و تبادل اطلاعات با مبادی مربوطه؛
۴. امکان شناسایی تهدیدات لحظه‌ای در وقوع و یا تشدید بحران‌های قومی؛
۵. به‌روزرسانی لحظه‌ای بانک اطلاعات؛
۶. سازگاری سریع با محیط بحران‌های قومی؛

۷. انجام محاسبات مرتبط با هر یک از مراحل چرخه مدیریت بحران‌های قومی؛
۸. ارائه پیشنهاد به مدیران تصمیم‌گیرنده؛
۹. قابلیت آموزش به عوامل انسانی؛
۱۰. قابلیت ارائه تصویری از آخرین وضعیت بحران‌های قومی؛
۱۱. قابلیت آمایش سرزمینی ظرفیت‌ها و منابع موجود انسانی و تجهیزاتی، متناسب با شرایط حاکم محیطی به‌منظور رسیدن به حداکثر یکپارچگی و هم‌افزایی؛
۱۲. انعطاف‌پذیری؛
۱۳. تهیه و توزیع آماری نیازمندی‌ها؛
۱۴. قابلیت انطباق دستورالعمل‌ها، طرح‌ها و دستورات متناسب با مکان و زمان؛
۱۵. قابلیت پیش‌بینی بحران‌های قومی؛
۱۶. قابلیت تلفیق با سایر سامانه‌های هوشمند مدیریتی در سایر سازمان‌ها؛
۱۷. قابلیت اجرای آزمایشی طرح‌های محاسبه‌شده و ارائه نتایج به مدیران؛
۱۸. قابلیت ارزیابی و پایش طرح‌های اجراشده و ایجاد تغییرات در آنها در صورت لزوم؛
۱۹. قابلیت ایجاد مشارکت بین مدیران مختلف در سطوح متفاوت جهت برآورد بهترین راهکارها؛
۲۰. قابلیت تهیه قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها متناسب با داده‌های بایگانی از تجربیات گذشته و آینده‌نگری متناسب با اطلاعات موجود؛
۲۱. قابلیت اعلام نیازمندی‌های زیربنایی؛
۲۲. قابلیت اطلاع‌رسانی عمومی؛
۲۳. قابلیت اعلام هشدار و آمادگی قبل از وقوع بحران‌های قومی و در زمان مناسب؛
۲۴. قابلیت مستندسازی بر اساس اطلاعات موجود از بحران‌های قومی گذشته شامل رخداد، اقدامات انجام‌شده، خلأهای موجود، بهترین راهکارها و غیره؛
۲۵. قابلیت برآورد خسارات؛
۲۶. قابلیت مدیریت چگونگی تأمین نیازمندی‌ها.

با توجه به اطلاعات گردآوری‌شده از ادبیات تحقیق، اسناد و پیشینه‌های پژوهشی، چارچوب مفهومی تحقیق در شکل شماره ۳ ارائه می‌شود.



شکل شماره ۳: چارچوب مفهومی تحقیق (محقق یافته)

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع کاربردی و به روش آمیخته است که داده‌های کیفی به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (فیش‌برداری، اسناد و مدارک، استفاده از پژوهش‌های انجام‌شده و مصاحبه با خبرگان) و داده‌های کمی به روش میدانی (پرسش‌نامه) جمع‌آوری شده‌اند. در این روش، ضمن مصاحبه با خبرگان، با طرح سؤالات فرعی، نظر متخصصان امر در خصوص سؤال اصلی تحقیق از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری گردیده است.

در ابتدا، برای تکمیل داده‌های کیفی، نسبت به مصاحبه با خبرگان (جامعه آماری این مصاحبه شامل ۵ نفر از نخبگانی می‌باشند که برای پایایی و روایی پرسشنامه و نیز انجام مصاحبه

کیفی به آنان مراجعه شده است)، اقدام گردید تا پیش از پیمایش کمی، خلأهای احتمالی در مباحث نظری و یافته‌ها از منابع پژوهشی پیشین، مرتفع گردد. از این رو، پس از جمع‌بندی نظری حاصل از مطالعه پیشینه‌های پژوهشی موجود و قبل از ارائه پرسش‌نامه کمی، ابتدا با تعدادی از نخبگان مصاحبه کیفی انجام شد که در قالب مصاحبه عمیق درباره موضوع پژوهش و نگارش نظرات آنها در خصوص اهمیت، ضرورت و قابلیت‌های کاربست سامانه‌های هوشمند مدیریتی برای مقابله با بحران‌های قومی بوده است. در گام دوم که شامل بخش پیمایشی و کمی پژوهش است، سؤالات تحقیق در قالب پرسش‌نامه قرار گرفته که روایی آن از طریق روایی محتوا و توزیع دومرحله‌ای پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران صورت گرفته و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرون‌باخ استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل کمی تحقیق، با مدنظر قرار گرفتن راهبردهای موجود در هریک از مراحل چرخه مدیریت بحران‌های قومی؛ یعنی «پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی» که در چارچوب مفهومی تحقیق نیز لحاظ گردیده‌اند، تعداد ۴۰ سؤال در قالب طیف لیکرت مطرح شده است. داده‌های کیفی به روش تحلیل محتوا و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای^۱ و داده‌های کمی از طریق نرم‌افزار تجزیه و تحلیل داده^۲، مورد بررسی آماری قرار گرفته است.

جامعه آماری شامل صاحب‌نظرانی است که تمامی ویژگی‌هایی چون حداقل پنج سال سابقه کار در محل راهبردی، حداقل سطح تحصیلات فوق‌لیسانس، سابقه اجرا یا داوری پروژه‌های تحقیقاتی و رساله، داشتن حداقل سنوات خدمتی ۲۵ سال و حداقل جایگاه سازمانی ۱۸ را دارا بوده و به‌طور کلی با سامانه‌های هوشمند مدیریتی و ویژگی‌های آنها و همچنین مدیریت بحران‌های قومی آشنایی داشته باشند. بر این اساس، جامعه‌ی آماری معادل ۶۳ نفر بوده و با توجه به اینکه این تعداد کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشند، لذا حجم نمونه، تمام‌شمار و منطبق با جامعه آماری مدنظر قرار گرفته است. وضعیت خدمتی و تحصیلی این دسته به شرح ذیل است:

| سال خدمت | فراوانی | درصد فراوانی |
|----------|---------|--------------|
| ۲۶ - ۳۰ | ۴۶ | ٪۷۳ |
| ۳۱ - ۳۵ | ۱۷ | ٪۲۷ |
| جمع کل | ۶۳ | ٪۱۰۰ |

| سطح تحصیلات | فراوانی | درصد فراوانی |
|--------------|---------|--------------|
| کارشناس ارشد | ۳۴ | ٪۵۴ |
| دکتری | ۲۹ | ٪۴۶ |
| جمع کل | ۶۳ | ٪۱۰۰ |

جدول شماره ۱: فراوانی وضعیت خدمتی جامعه نمونه جدول شماره ۲: فراوانی وضعیت تحصیلی جامعه نمونه

^۱ Max.QDA

^۲ SPSS

به منظور احصای نظر حجم نمونه در خصوص هدف تحقیق، تعداد ۴۰ سؤال در قالب طیف لیکرت (شامل ۸ سؤال برای سؤال فرعی دوم، ۱۱ سؤال برای سؤال فرعی سوم، ۸ سؤال برای سؤال فرعی چهارم و ۱۳ سؤال برای سؤال فرعی پنجم) با جمع‌بندی نظر خبرگان و مطالعه منابع طرح گردید و سپس نتایج حاصل از پاسخ جامعه نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین در تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا و توزیع دومرحله‌ای پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرون‌باخ استفاده شده که معادل ۰/۹۹۳ به دست آمده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

الف: تحلیل توصیفی داده‌های کمی (پرسش‌نامه)

نتایج حاصل از پاسخ جامعه نمونه به شرح ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و جدول ذیل به‌عنوان ملاک و مبنای تحلیل نتایج کمی و ارزیابی کیفی نهایی هر یک از سؤالات، واقع شده است.

| | | | | | |
|---------------|---------|-------|-------|-------|-----------|
| دامنه میانگین | ۰-۲۰ | ۲۰-۴۰ | ۴۰-۶۰ | ۶۰-۸۰ | ۸۰-۱۰۰ |
| تحلیل کیفی | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |

جدول شماره ۳: مبنای تحلیل نتایج کمی و ارزیابی کیفی نهایی سؤالات

برای محاسبه تخمین فاصله‌ای میانگین جامعه آماری بر مبنای هر یک از سؤال‌های تحقیق، ابتدا توزیع فراوانی پاسخ حجم نمونه به هر یک از سؤالات به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت و سپس با تأثیر احتمال خطای ناشی از تعیین حجم نمونه نسبت به جامعه آماری برای رسیدن به حداکثر سطح اطمینان؛ یعنی با لحاظ نمودن سطح خطای ۵٪، حد بالا و حد پایین میانگین برای هر یک از سؤال‌ها تعیین گردید تا در نهایت، تعمیم یافته‌های تحقیق از حجم نمونه به جامعه آماری با کمترین خطا و بیشترین ضریب اطمینان، امکان‌پذیر گردد.

| میانگین فاصله‌ای | سؤالات پرسش‌نامه | |
|-------------------------------|--|---------------|
| $39.56 \leq \mu_x \leq 49.33$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت رشد و توسعه پایدار و متوازن | |
| $53.32 \leq \mu_x \leq 65.39$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت پژوهش و آموزش | |
| $72.63 \leq \mu_x \leq 82.95$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت هماهنگی، تلاش‌ها و فعالیت دستگاه‌ها و نهادهای مربوط | |
| $48.00 \leq \mu_x \leq 58.05$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت تهیه قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های پیشگیری | |
| $74.24 \leq \mu_x \leq 83.87$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت نظام‌مند نمودن آمار و اطلاعات | |
| $39.90 \leq \mu_x \leq 48.34$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت تقویت فرهنگ ایمنی و پیشگیری از وقوع بحران | |
| $32.97 \leq \mu_x \leq 40.64$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت تقویت زیرساخت‌های سیاسی | |
| $79.22 \leq \mu_x \leq 87.16$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت برنامه‌ریزی و تخصیص منابع | |
| $54.98 \leq \mu \leq 64.47$ | متوسط | ارزیابی نهایی |

جدول شماره ۴: تعیین میانگین فاصله‌ای پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه مرتبط با فرضیه یکم تحقیق

| میانگین فاصله‌ای | سؤالات پرسش‌نامه | |
|-------------------------------|---|---------------|
| $74.20 \leq \mu_x \leq 83.29$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت اطلاع‌رسانی عمومی و تخصصی برای آمادگی در بحران | |
| $76.21 \leq \mu_x \leq 84.46$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در برقراری ترتیبات مؤثر ساختاری برای ایجاد هماهنگی | |
| $73.38 \leq \mu_x \leq 82.23$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت ایجاد زیرساخت‌ها و بسترهای ارتباطی و مخابراتی | |
| $73.78 \leq \mu_x \leq 83.62$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت طراحی و استقرار نظام‌های پشتیبانی | |
| $78.35 \leq \mu_x \leq 86.74$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت اطلاعات | |
| $40.03 \leq \mu_x \leq 50.06$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت تقویت فرهنگ آمادگی در برابر بحران | |
| $61.35 \leq \mu_x \leq 70.75$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت اجرای قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های آمادگی | |
| $54.12 \leq \mu_x \leq 65.25$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت پژوهش و آموزش | |
| $70.73 \leq \mu_x \leq 80.39$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت نظام مستندسازی سوابق و تجربیات بحران‌های قبلی | |
| $70.63 \leq \mu_x \leq 81.11$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت ایجاد نظام ارزیابی و پایش فرایندهای آمادگی | |
| $62.40 \leq \mu_x \leq 72.24$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت برنامه‌ریزی نیازمندی تأمین اعتبارات | |
| $66.83 \leq \mu \leq 76.38$ | زیاد | ارزیابی نهایی |

جدول شماره ۵: تعیین میانگین فاصله‌ای پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه مرتبط با فرضیه دوم تحقیق

| میانگین فاصله‌ای | سؤالات پرسش‌نامه | |
|-------------------------------|--|---------------|
| $81.56 \leq \mu_x \leq 88.01$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت اطلاع‌رسانی و اطلاع‌گیری | |
| $77.03 \leq \mu_x \leq 86.16$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت برآورد اولیه ابعاد حادثه | |
| $81.68 \leq \mu_x \leq 87.89$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت ساختاردهی و هماهنگ‌سازی عملیات در حین بحران | |
| $78.88 \leq \mu_x \leq 86.25$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت عملیات جستجو و نجات | |
| $73.64 \leq \mu_x \leq 83.22$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت عملیات تخلیه و انتقال | |
| $79.54 \leq \mu_x \leq 86.22$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت اجرای فوری اقدامات پزشکی و درمانی | |
| $75.76 \leq \mu_x \leq 84.90$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت پشتیبانی از عملیات امداد و نجات | |
| $80.88 \leq \mu_x \leq 87.42$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در ارزیابی عملیات امداد و نجات | |
| $78.62 \leq \mu \leq 86.26$ | خیلی زیاد | ارزیابی نهایی |

جدول شماره ۶: تعیین میانگین فاصله‌ای پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه مرتبط با فرضیه سوم تحقیق

| میانگین فاصله‌ای | سؤالات پرسش‌نامه | |
|-------------------------------|---|---------------|
| $75.99 \leq \mu_x \leq 83.42$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در ساختاردهی و هماهنگ‌سازی فعالیت دستگاه‌ها و سازمان‌ها | |
| $79.57 \leq \mu_x \leq 87.47$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت اطلاعات | |
| $65.93 \leq \mu_x \leq 75.67$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در ارزیابی برآورد اولیه از نیازها برای عادی‌سازی شرایط زندگی | |
| $56.86 \leq \mu_x \leq 66.33$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت نحوه پذیرش و اسکان | |
| $52.43 \leq \mu_x \leq 61.23$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت نحوه توزیع مایحتاج عمومی برای مصرف | |
| $52.43 \leq \mu_x \leq 61.23$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت چگونگی تأمین و تحویل آب آشامیدنی و بهداشتی | |
| $52.43 \leq \mu_x \leq 61.23$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت نحوه تأمین مسائل بهداشتی و درمانی افراد حادثه‌دیده | |
| $52.43 \leq \mu_x \leq 61.23$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت نحوه تأمین بهداشت محیط عمومی | |
| $84.59 \leq \mu_x \leq 89.42$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در آمایش سرزمینی | |
| $79.88 \leq \mu_x \leq 87.77$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت تعیین نیازمندی سوخت و انرژی موردنیاز | |
| $47.84 \leq \mu_x \leq 59.44$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت چگونگی تأمین امنیت عمومی اردوگاه‌ها و اقامتگاه‌ها | |
| $74.11 \leq \mu_x \leq 82.10$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در مدیریت چگونگی پشتیبانی عمومی و تخصصی بعد از بحران | |
| $69.65 \leq \mu_x \leq 78.95$ | تأثیر سیستم‌های هوشمند در ارزیابی عملیات عادی‌سازی، بازسازی و نوسازی بعد از بحران | |
| $64.93 \leq \mu \leq 73.50$ | زیاد | ارزیابی نهایی |

جدول شماره ۷: تعیین میانگین فاصله‌ای پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه مرتبط با فرضیه چهارم تحقیق

نتایج حاصل از جداول شماره‌های ۴، ۵، ۶ و ۷ بیانگر این موضوع هستند که افراد جامعه آماری با اطمینان ۹۵٪ اعتقاد دارند که تأثیر سامانه‌های هوشمند در پیشگیری از بحران‌های قومی (اولین مرحله از مدیریت بحران)، متوسط؛ آمادگی در برابر بحران‌های قومی (دومین مرحله از مدیریت بحران)، زیاد؛ مقابله با بحران‌های قومی (سومین مرحله از مدیریت بحران)، خیلی زیاد و درنهایت، در مرحله بازسازی پس از بحران‌های قومی (چهارمین مرحله از مدیریت بحران)، زیاد است. در ادامه و برای جمع‌بندی پاسخ نهایی به هدف اصلی تحقیق، مبنی بر «تبیین تأثیر سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی»، میانگین نهایی بر اساس نرم‌افزار تجزیه و تحلیل داده به شرح جدول ذیل محاسبه گردیده است.

| فرضیه‌ها | میانگین فاصله‌ای | میانگین کل | ارزیابی کیفی نهایی |
|----------|-----------------------------|-----------------------------|--------------------|
| اول | $54.98 \leq \mu \leq 64.47$ | $66.34 \leq \mu \leq 75.15$ | زیاد |
| دوم | $66.83 \leq \mu \leq 76.38$ | | |
| سوم | $78.62 \leq \mu \leq 86.26$ | | |
| چهارم | $64.93 \leq \mu \leq 73.50$ | | |

جدول شماره ۸: میزان تأثیرگذاری سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران

برآیند نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که افراد جامعه آماری با اطمینان ۹۵٪ اعتقاد دارند که «سامانه‌های هوشمند مدیریتی»، به طور کلی، حداقل ۶۶/۳۴٪ و حداکثر ۷۵/۱۵٪ در چرخه مدیریت بحران‌های قومی، تأثیرگذار هستند؛ یعنی اینکه جامعه آماری، میزان تأثیر سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی را زیاد ارزیابی نموده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

متناسب با رشد چشم‌گیر احتمال وقوع بحران در عرصه‌های مختلف، اهمیت تصمیم‌گیری به‌موقع و منطبق با اطلاعات صحیح از تحلیل محیطی نیز به شدت افزایش یافته و تغییرات سریع محیطی در کنار وسعت اطلاعات نیز غافلگیری و متعاقب آن تصمیم‌گیری‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. این مسئله در مواجهه با بحران بالقوه قومی که نیازمند شناسایی به‌موقع و ممانعت از شکل‌گیری و تشدید بحران است، به مراتب اهمیت بیشتری خواهد یافت تا با پایش و

رصد مستمر تغییرات در ابعاد مختلف که دارای دامنه‌ای بسیار فراتر از فرایندهای ذهنی انسان است، امکان پیشگیری، مقابله و بازسازی آسیب را فراهم نماید. از این رو، این تحقیق با هدف «تبیین تأثیر سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قومی» که شامل پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی است، ابتدا با مطالعه منابع و بهره‌گیری از نظر خبرگان این حوزه و در نهایت با طرح سؤالات فرعی برای انجام محاسبات کمی انجام شد تا نتایج حاصل از آن بتواند پاسخی برای سؤالات این تحقیق؛ یعنی «تأثیر سامانه‌های هوشمند در چرخه مدیریت بحران‌های قوم، به چه میزان است؟» باشد. در نهایت، در بخش مفهومی مشخص گردید که سامانه‌های هوشمند، در چرخه چهاربخشی مدیریت بحران‌های قومی (پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی)، به واسطه تسهیل عملکرد و پیشنهاد بهینه، می‌توانند واجد نقشی مثبت بشمار آیند. این گزاره، چنانچه در پژوهش آمد، در قالب ۴ سؤال فرعی از طریق مصاحبه با خبرگان و سپس پیمایش کمی، مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت مشخص گردید که مدیریت بحران‌های قومی در هر چهار مرحله، نیازمند سامانه‌های هوشمند است و تأثیرگذاری این سامانه‌ها در بهبود روند مدیریت این گونه بحران‌ها، زیاد ارزیابی گردید.

پیشنهاد

آنچه در نهایت از جمع‌بندی پاسخ صاحب‌نظران به سؤالات مصاحبه و همچنین پاسخ حجم نمونه به سؤالات پرسش‌نامه با مدنظر قرار دادن مطالعه منابع، احصا و استخراج گردیده است؛ نمایانگر این مهم است که بحران‌ها، جزء جدانشدنی از نظم اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند. به‌ویژه، باوجود ریشه‌ها و بروز بحران‌های قومی که منجر به بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی می‌شوند، لازم است تا با مدیریت صحیح نسبت به شناسایی، پیش‌بینی، مقابله، کنترل و دفع بحران اقدام نمود تا آسیب‌های ناشی از آن را بتوان به حداقل میزان ممکن کاهش داد. ویژگی بحران و همچنین چرخه مدیریت بحران که فرآیندی پیچیده را به خود اختصاص داده است، در کنار بسیاری از مؤلفه‌های دیگر همچون عدم اطمینان به علت آناشسی بودن محیط داخلی و خارجی و نرخ بالای به‌روز شدن اطلاعات که انسان‌ها را در مدیریت بحران‌های قومی با چالش‌های اساسی و ساختاری مواجه ساخته، فضایی مه‌آلود و در حاله‌ای از ابهام را برای مدیران و تصمیم‌گیران ایجاد نموده که می‌توان برای رهایی یافتن از این تنگنا، استفاده از «سامانه‌های

هوشمند مدیریتی» را با جدیتی بیشتر از گذشته در دستور کار قرار داد. بر همین اساس، می‌توان پیشنهادهای ذیل را مطرح نمود:

۱. انجام تحقیقی به‌منظور شناسایی ویژگی سامانه‌های هوشمند برای بهره‌برداری در مدیریت بحران؛

۲. انجام تحقیق صنعتی در راستای طراحی و تولید سامانه‌های هوشمند مدیریتی بومی متناسب با ویژگی‌های احصاشده از بند «شماره یک» پیشنهادها؛

۳. رصد و پایش مستمر اطلاعات و داده‌های مرتبط با ریشه‌ها و بروز بحران‌های قومی در یک منطقه خاص با ایجاد کارگروه پژوهشی مستمر به‌منظور ایجاد زیرساخت‌های سامانه هوشمند مدیریتی.

منابع و مأخذ الف) کتب فارسی

۱. احزازی، ابراهیم (۱۳۸۴)، «راهبردهای رسانه‌ای برای پیشگیری از بحران»، پژوهش‌های ارتباطی، سال دوازدهم، شماره ۴۲ و ۴۳، صص ۱۰۳ - ۱۲۳.
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «قومیت و قوم‌گرایی در ایران»، تهران: نشر نی.
۳. الطایی، علی (۱۳۸۲)، «بحران هویت قومی در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: نشر شادگان.
۴. امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۸۰)، «بررسی علل گونه‌گونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی»، مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۳ - ۳۲.
۵. ایزدی، رجب (۱۳۸۳)، «نگاهی به یک دهه چالش بر سر هویت آذربایجان»، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۶. بیرویدیان، نادر (۱۳۸۵)، «مدیریت بحران»، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
۷. پورعزت، علی اصغر؛ دامادی، سید حسن؛ مصطفوی، شهرزاد؛ متحدین، مصطفی؛ صیادی‌زاده، علی (۱۳۸۲)، «طراحی سیستم بسیج امکانات ملی برای مواجهه مناسب با بحران‌های طبیعی و اجتماعی»، کمال مدیریت، سال دوم، شماره ۴ و ۵، صص ۷۵ - ۱۱۰.
۸. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، «مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران»، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
۹. تسلیمی کار، بهروز (۱۳۹۷)، «لزوم بهره‌برداری از سامانه فرماندهی و کنترل مشترک در نیروهای مسلح»، علوم و فنون نظامی دافوس آجا، دوره چهاردهم، شماره ۴۵، ۱۱۱ - ۱۳۹.
۱۰. جهانبخش، حیدر و همکاران (۱۳۹۵)، «تبیین نقش سایت‌های پروازی سبک چندمنظوره با اولویت کاربری مدیریت بحران در مقیاس شهری»، سومین کنفرانس تخصصی مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری.
۱۱. دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۲)، «روشن‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع»، تهران: انتشارات صفار.
۱۲. سوری، علیرضا (۱۳۹۴)، «اصول، مبانی و رویکردهای مدیریت بحران (با تأکید بر بحران‌های اجتماعی)»، مدیریت بحران، سال هفتم، شماره ۲۴.

۱۳. صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۱)، «مدیریت منازعات قومی در ایران»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۴. کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۶)، «مدیریت بحران‌های بین‌المللی»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۵. عبدالمهدی، مجید (۱۳۸۳)، «مدیریت بحران در نواحی شهری»، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۱۶. عصاریان، حسین (۱۳۸۳)، «مفهوم‌شناسی بحران»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۷. کاماسی، مهدی؛ درویشی، حمید؛ محب‌زندی، سپیده (۱۳۹۴)، «بررسی نقش سیستم مدیریت هوشمند در کاهش مصرف انرژی و هزینه‌های ساختمان»، تبریز: اولین کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، مهندسی عمران و شهر.
۱۸. لاودن، کنت. سی؛ لاودن، جین. پی (۱۳۹۰)، «سامانه‌های اطلاعاتی مدیریت»، ترجمه: سید مجتبی حسینی و سید اکبر مصطفوی، تهران: فدک.
۱۹. مرادی، عبدالله؛ محمدی، محسن؛ رضایی، صفیه (۱۳۹۸)، «نقش پایش محیطی توسط رسانه‌های جمعی در پیش‌بینی بحران‌های قومی»، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۳۵، صص ۲۱۱ - ۲۳۲.
۲۰. مک‌کارتی، شاون. پی (۱۳۸۱)، «نقش اطلاعات در مدیریت بحران» ترجمه: محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.
۲۱. نجات‌بخش، علی؛ باقری، اکبر (۱۳۸۷)، «نقش رسانه‌های جمعی در پیشگیری از بحران‌ها»، پژوهش‌های ارتباطی، سال دوازدهم، شماره ۵۶، صص ۱۳۷ - ۱۵۸.
۲۲. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، «رضاشاه و دولت ایلی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، «فرهنگ دفاعی - امنیتی»، تهران: انتشارات سنا.
۲۴. یعقوبی، نورمحمد؛ شکوهی، جواد؛ صلواتی، عادل (۱۳۹۴)، «سامانه‌های اطلاعات مدیریت با رویکرد یکپارچه‌سازی»، انتشارات مردنیز.

1. Army Research (1985). *"Development, Test and Evaluation Funds"*, Hearings.
2. Barth, Ernest A. T & Noel Donald L (1987), *"Conceptual frame Works for the Analysis of Race Relations"*, Evaluation Social Forces, Vol 50, No 3, PP 333-348.
3. Bogue, Robert (2018). *"Use S.M.A.R.T. goals to launch management by objectives plan"*, Tech Republic.
4. Elron's story (2009). *"Technology Investment with Vision"*, Archived from the Original on June 18.
5. Fener, Tugba & Cevik, Tugce (2015). *"Leadership in Crisis Management: Separation of Leadership and Executive Concepts"*, Procedia Economics and Finance, Volume 26, PP 695-701.
6. Hentea, Mariana (2007). *"Intelligent System for Information Security Management: Architecture and Design Issues"*, Excelsior College: USA.
7. Joirman, Sandra (2003). *"Nationalism and political identity"*, London & Newyork: Continuum.
8. Pasquale, David, Capponi, Marino & Lau, Stefan (2017). *"Intelligent management systems"*.
9. Pearson, David (2000). *"The World Wide Military Command and Control System"*, Alabama: Air University Press.
10. Vassiliou, Marius, Alberts, David & R.Agre, Jonathan (2015). *"C2 Re-Envisioned: the Future of the Enterprise"*, New York: CRC Press
11. Zabensky, M.D (2016). *"System Thinking is The Way to Success"*.

5. Buffard, Isabelle, Crawford, James, Pellet, Alain & Wittich, Stephan (2008), *"Intrenational Law between Universalism and Fragmentation"*, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden. Boston.

6. Carty, Anthony (2007). *"Philosophy of International law"*, Edinburgh University Press.

7. Coyne, John & Bell, Peter (2015). *"First published by Palgrave macmillan, the role of sterategic entelligence in law enforcement"*.

8. Davis, Paul K. (2001). *"Effects-Based Operations Effects-Based Operations"*, A Grand Challenge for the Analytical Community, Published by RAND.

9. DiasVarella, Marselo (2014), *"Internalization of Law, Globalization, International Law and Complexity"*, springer International Publishing.

10. Jobbagy- Budapest, Zoltan (2012). *"Approaches to Effects-Based Operations: A Retrospective Analysis of Addressing Causality in War"*, www.researchgate.net.

11. Joint Publication 1 (2017). *"Doctrin for the Armed Forces of the United states"*, 25 march 2013. Incorporating chang 1. 12, JULY.

12. Kaczorowska, Alina (2010). *"Public Intrenational Law"*, Routledge Taylor & Francis Group, Landen and New yurk.

13. Klabbedrs, Jan & Piiparinen, Touko (2013). *"Normative pluralism and International law"*, exploring global governance, Cambridge University Press.

14. Labarre, Frederic (2008), *"Selected of the effects-based approach to operations (EBAO) seminar"*, Contributions from the proceedings, 13-14 March.

15. Liao, Matthew & Renzo Massimo (2015). *"Philosophical Foundations of Human Rights"*, OXFORD University Press.

16. Schwarzenberger, Georg (2000), *"Amanual of Intrenational Law"*, fifth edition, Universal Law Pablishing co.pvt.Ltd.

17. Scott, Shirly V. (2004). *"Intrenational Law in World Politics"*, Lynne Rienner Publisher, Boulder Landen.

18. Svarverud, Rune (2007). *"Intrenational Law as World Order in Late Imperial Chaina"*, Translation, Reception and Discourse, 1847 - 1911, Brill, Leiden. Boston.

19. Tutuianu, Simona (2013). *"Towards Global Justice: Sovereignty in an Interdependent World"*, Asser Press.

20. Wallace, Rebecca M.M. (2005). *"International Law"*, Thomson, London, Sweet & Maxwell.

ج) تارنماها

1. <http://internationallaw.blogfa.com/post/393>.
2. [https://undocs.org/en/S/RES/2249\(2015\)](https://undocs.org/en/S/RES/2249(2015)).
3. [https://undocs.org/S/RES/1368\(2001\)](https://undocs.org/S/RES/1368(2001)).
4. <https://www.datikan.com/news/view/id:2677/>.
6. <https://www.irna.ir › news › /83808660/>
5. <http://www.payam-aftab.com/fa/doc/news/29609>